

## ایران در جزرومد اندیشه‌های سکولار

لادن سلیمی<sup>۱</sup>، حجت نواب<sup>۲</sup><sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، مازندران، ایران

## چکیده

آغاز و شکل‌گیری تفکر سکولار<sup>۱</sup> در ایران را، بعد از دوران مشروطه می‌توان یافت، اندیشه‌ای که تا به امروز فراز و نشیب‌هایی را باتوجه به تاریخ معاصر پشت سر گذاشته است. گرچه باوجود قدمت این تفکر در تاریخ کشور و حمایت‌های کم‌رنگ و کورکورانه و پروبال دادن به آن هرگز نتوانست خود را تحمیل نماید، هم زمان با وقایع تاریخی در این کشور حضور داشت و در فرصت مناسب آماده ابراز وجود بود و حالا در قوای نو و اصلاح شده ظاهر گردیده است و در حال ریشه‌دواندن در نسل جدید است. هدف از تحقیق حاضر، واکاوی نظر محققین کشور در طی این دوران درباره این مسئله است که آیا روشنگری و چرایی در این امر انجام گرفته است؟ و راهکار آنان تا چه حد واقع انگارانه بوده است. در تحقیق حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی برای رصد این موضوع به ۲۱ مقاله، به عنوان جامعه آماری رجوع گردید که از این تعداد ۱۱ مقاله برای نمونه آماری انتخاب شد. جمع‌آوری داده‌ها در یک بازه زمانی ده‌ساله و در پایگاه اطلاعاتی مگیران، نورمگز، جهاد دانشگاهی و گوگل اسکولار انجام گرفت. یافته‌های تحقیق بیانگر این نکته است که مسئله سکولاریسم به لحاظ تئوری به‌خوبی برای جامعه فرهیخته روشن است؛ اما نکته حائز اهمیت که می‌توان به آن اشاره نمود غفلت از گروه سنی نوجوان و جوان است؛ پیشرفت ناگزیر و روزافزون، تکنولوژی و عدم برنامه‌ریزی کارشناسانه چه در آموزش رسمی و پنهان سبب گرفتاری این قشر در مصائب مدرنیته و بالاخص دوگانگی‌هایی در مسائل عقیدتی و اخلاقی گردیده است.

واژه‌های کلیدی: سکولار، سکولاریسم، سکولاریزاسیون، سکولاریسم اسلامی، مدرنیته

## ۱. مقدمه:

با استیلای فرهنگ مدرن در جوامع غربی، فضای فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی این جوامع به ناگاه دستخوش تغییرات گسترده‌ای گردید. جامعه خدا محور و آخرت‌گرا، تبدیل به جامعه‌ای انسان‌محور و دنیاگرا گشت و وحی الهی که تا دیروز تنها منبع شناخت و داوری معرفت بود، جای خود را به عقل بشری داد.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، تعاملات و تهاجمات فرهنگی جوامع اسلامی را با پدیده نوظهور مدرنیته روبروی گرداند و معیارهای اسلامی، به چالش کشیده شد [۱۱].

فرایند سکولاریسم در ایران با غرب‌گرایی و تجددگرایی همزاد بوده است؛ این اندیشه پیش‌فرض ذهنی و فکری حاکم بر منورالفکرها و روشنفکران ایران برای مدرن‌شدن جامعه ایران بوده است. غافل از آنکه اسلام‌گرایی و سکولاریسم به‌مثابه دو جریان فکری - سیاسی رقیب، در زمینه سیاست و حکومت‌داری، همیشه باهم در تقابل بوده و ادعاهای یکدیگر را به چالش کشیده‌اند. متفکران دینی، سکولاریسم را بر نمی‌تابند و در مقابل جریان سکولار و نواندیش مسلمان، ادعاهای متفکران دینی و استدلال‌های موردنظر آنان درباره حکومت دینی مستنبط از ذات دین را به پرسش گرفته‌اند [۷].

توجه به ساحت معنوی انسان، به‌عنوان بعد اصیل و شایان توجه وجودی او، امری است که باید به طور ویژه در تربیت آدمی در نظر گرفته شود. اما مشغولیت‌های انسان کنونی و نوع تربیت او از سوی نظام‌های رسمی تعلیم و تربیت، انسان را به سمت دورشدن از حقیقت وجودی خویش سوق داده است. به‌طوری‌که امروزه شاهد وقوع نابسامانی‌های ناشی از این امر در سطح فردی و اجتماعی گرفته شده است [۱].

موارد متعددی در جامعه امروز ما وجود دارد که می‌تواند در نگاه اول، احتمال نوعی تغییر ارزشی و فرهنگی در اکثریت جامعه را در بیننده ایجاد کند، تمایل زیاد به مصرف و تجملات، احساسات ملایم‌تر و حتی شیفتگی نسبت به غرب، روابط باز میان زن و مرد، تحول در شیوه گذراندن اوقات فراغت، بالارفتن تیراژ کتاب‌های غیردینی و حتی نسبت به برخی از ابعاد دین صریحاً انتقادی هستند و سایر مواردی که جلوه‌هایی از رشد نگرش نو به جهان است [۱۶]. هدف نگارنده در این تحقیق توصیف علل توجه به این نحله فکری در مقالات ده سال اخیر است و این‌که آیا علاوه بر تعاریف نظری و رویکردهای تاریخی، آسیب‌شناسی و راهکاری برای این چالش اندیشیده شده است یا خیر؟

## ۲. روش انجام تحقیق:

در این پژوهش برای دستیابی به اطلاعات موردنظر، با استفاده از کلمات کلیدی مشخص شده (سکولار - سکولاریسم - سکولاریزاسیون - سکولاریسم اسلامی) در پایگاه‌های اطلاعاتی نظیر: مگیران، جهاد دانشگاهی، نورمگز و گوگل اسکولار، جستجو انجام گرفت که شامل بیست و یک مقاله مرتبط بود که در ده سال گذشته پژوهش‌هایی را در این زمینه انجام داده بودند، از بین این پژوهش‌ها یازده مورد جهت پژوهش حاضر انتخاب گردید.

امروزه سکولار به کسی یا چیزی گفته می‌شود که ابتدا و علاقه‌ای به امور معنوی و مذهبی نداشته و همه نیازمندی‌های خود را از علوم تجربی، عالم ماده و عقل خود بنیاد تأمین می‌کند [۱۳]. سکولار شدن فرایندی است که طی آن، موقعیت و اهمیت

گرچه سخن از رنسانس و عقل‌گرایی دکارت به میان می‌آید ولی در واقع ذات این امر با افلاطون و در سنت متأفیزیکی یونان آغاز می‌گردد.

دین، نزد فرد و آن‌گاه در عرصه اجتماع تنزل می‌یابد و برداشت‌های صرفاً دنیوی از تعالیم و غایات دینی غالب می‌گردد. سکولار شدن فرایندی است که در سه سطح فردی، اجتماعی و خود دین به وقوع می‌پیوندد [۱۵].

واژه سکولاریسم<sup>۲</sup> برگرفته از واژه لاتینی *secularis*، مشتق از *speculum* به معنای «نیا» یا «گیتی» در برابر «مینو» است. در اصطلاح سکولاریسم عبارت است از گرایشی که طرفدار و مروج حذف یا بی‌اعتنایی و به حاشیه راندن نقش دین در ساحت‌های مختلف حیات انسانی از قبیل سیاست، حکومت، علم، عقلانیت، اخلاق و... است. جداانگاری دین و دولت؛ جدایی دین از سیاست. اعتقاد به انتقال مرجعیت از نهادهای دینی به اشخاص یا سازمان‌های غیردینی. بر اساس این نظریه، در امور اجتماعی، سیاست اصالت دارد نه دین که دارای جنبه فردی و عبادی است [۳]. شایر تعریف‌های مختلفی را برای واژه سکولاریسم مطرح می‌کند که حاصل آن‌ها را بیان می‌کنیم: ۱- هرگاه دین به تمام اشکال آن؛ یعنی نمادها و آموزه‌ها و نهادهای مذهبی، از متن جامعه زوده شد و حیثیت و اعتبار آن از بین رفت، سکولاریسم صدق می‌کند. ۲- هرگاه توجه آدمیان از عوامل غیرمادی برگشت و به ضرورت‌های زندگی دنیوی و مسائل آن معطوف شد، سکولاریسم پدیدآمده است. ۳- هرگاه دین، حالت درونی و شخصی پیدا کرد و در جنبه‌های زندگی اجتماعی دخالتی نداشت و جامعه را فرانگرفت، سکولاریسم حاصل شده است. ۴- هرگاه دانش، رفتار و نهادهایی که زمانی مبتنی بر قدرت خدایی تصور می‌شدند، به پدیده‌هایی آفریده انسان و تحت مسئولیت او تبدیل شوند، سکولاریسم محقق شده است. ۵- هرگاه تقدس موجود، در پرتو احاطه نیروهای غیرمادی، از این جهان مادی رخت بر بست و به اصطلاح، تقدس از جهان سلب گشت، سکولاریسم فراهم آمده است. ۶- هرگاه جامعه‌ای پایبندی‌اش را به ارزش‌ها و عملکردهای سنتی رها کند و ضمن پذیرش دگرگونی، همه تصمیم‌هایش را بر یک مبنای عقلانی و فایده‌گرایانه انجام دهد، سکولاریسم معنا پیدا کرده است [۱۴]. بسیاری از اندیشمندان، تعریف خود از سکولاریسم را مبتنی بر دوگانه دین و سیاست ارائه داده‌اند. برای مثال، ماکس وبر<sup>۴</sup> سکولاریسم را به معنای «جدا بودن جامعه دینی از جامعه سیاسی» می‌داند، به گونه‌ای که دولت، حق هیچ‌گونه اعمال قدرتی در امور دینی نداشته باشد و کلیسا نیز نتواند در امور سیاسی مداخله کند، بنابراین ماهیت سکولاریسم در این است که بین دو جنبه روحانی و دنیوی فاصله می‌اندازد [۴]. سکولاریسم مفهومی است که از مبانی معرفتی و وجودشناختی خاصی برخوردار است و این مبانی که در پیدایش فرهنگ و تمدن غرب بعد از رنسانس، نقش تعیین‌کننده داشته است، با مبانی معرفتی و هستی‌شناختی دینی ناسازگارند، به همین دلیل این مفهوم برای افرادی که در جوامع دینی زندگی می‌کنند از جمله؛ مردم ایران، بیگانه بوده است [۵]. طرفداران ایدئولوژی سکولاریسم، آگاهانه و بارآده خود، سعی دارند همه اشکال اعتقاد به امور ماورای طبیعی را طرد نموده و از اصول غیردینی و بلکه ضد دینی، به عنوان مبنای اخلاق شخصی و سازمان اجتماعی حمایت کنند. به اعتقاد برخی از سکولارها انسان نه تنها می‌تواند مستقل از دین، شئون زندگی این جهانی خود را تدبیر کند، بلکه بر مبنای ملاحظات فلسفی باید دست به چنین کاری بزند. از نکته‌های جالب توجه در تعریف این واژه، نظریه اخلاقی دانستن آن است. سکولاریسم در فرهنگ بیست‌جلدی آکسفورد، نظریه‌ای اخلاقی قلمداد شده و در تعریف آن گفته شده است: سکولاریسم نظریه‌ای است درباره اینکه اخلاق صرفاً باید بر اموری مبتنی باشد که باسعادت انسان در حیات دنیوی مرتبط بوده و در این باره، همه ملاحظات اعتقادی، همچون اعتقاد به خدا و جهان آخرت کنار گذاشته شود. به عبارت دیگر، سکولاریسم فلسفه‌ای درباره زندگی است و نه نظریه‌ای معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی درباره حقایق عالم [۱۳].

<sup>۲</sup>secularism

<sup>۴</sup>Max Weber

سکولاریزاسیون برای اولین بار در ۱۶۴۸ در پایان جنگ‌های سی‌ساله اروپا به کار گرفته شد که منظور از آن انتقال دارایی‌های کلیسا به شاهزادگان یا به دولت برای کنترل و چگونگی دخل و تصرف در آن بود. باتوجه به معانی واژه‌های سکولار و سکولاریسم، معنای سکولاریزاسیون نیز به دست می‌آید. این واژه در لغت، به معنای «دنیوی کردن و عرفی‌سازی» است و در موارد زیر به‌کاررفته است. ۱- تبدیل نهاد کلیسائی (یا دینی) و دارایی آن به ملکیت دنیوی و نیز استفاده دنیوی از آن. ۲- تبدیل دولت یا حاکمیت کلیسایی و دینی به دولت یا حاکمیت غیردینی و غیرروحانی. ۳- سکولار کردن یا قداست‌زدایی از امور مختلف مانند هنر، مطالعات و دادن سمت‌وسویی سکولار و دنیوی یا نامقدس به آن‌ها. ۴- ابتناء اخلاقیات بر مبانی سکولار و دنیوی و محدودکردن آموزش و پرورش به موضوعات سکولار. ۵- تغییر مفاهیم کلیسایی به مفاهیم دنیوی و سکولار [۱۴]. سکولاریزاسیون یک فرایند است و نه یک مکتب فکری، به خلاف سکولاریسم که یک مکتب فکری است. تعریف سکولاریزاسیون در کلام جامعه‌شناسان اختلاف چندانی ندارد، مثلاً پیتر برگر<sup>۵</sup> که متکلم، جامعه‌شناس و از صاحب‌نظران بنام در نظریه سکولار شدن است، سکولاریزاسیون را به‌عنوان جریانی که از آن طریق بخش‌هایی از جامعه و فرهنگ از اقتدار نهادها و سمبل‌های دینی خارج می‌شوند تعریف می‌کند [۱۶]. امیل دورکیم<sup>۶</sup> سکولاریزاسیون را به‌منزله فرایندی تشریح می‌کند که طی آن جوامع انسانی امور دنیوی خود را به‌تدریج از کنترل نهادهای دینی خارج کرده و در اختیار خود می‌گیرند. بدین ترتیب نه تنها نهادهایی چون علوم مختلف بلکه مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بشر از قلمرو دین جدا شده و به دست خود بشر واگذار می‌گردد [۱۰].

### ۳. یافته‌ها:

#### جدول ۱. خلاصه نتیجه مطالعات مرور شده

| ردیف | نویسندگان<br>(تاریخ)          | عنوان پژوهش  | یافته‌ها  |
|------|-------------------------------|--|---|
| ۱.   | شیخ‌لار و<br>جلیل‌زاده (۲۰۲۱) | تبیین مولفه‌های تربیت<br>معنوی در آموزه‌های<br>دینی (قرآن) و غیردینی<br>(سکولار) و مطابقت آن با<br>اسناد بالادستی برنامه<br>درسی | یافته‌ها نشان داد که<br>در تحلیل قرآن کریم،<br>در مؤلفه اعتقادی ۵<br>مفهوم (اصول دین)،<br>مؤلفه اخلاقی (فضائل<br>اخلاقی: ۸۸ مفهوم و<br>رذایل اخلاقی: ۸۸<br>مفهوم) و مؤلفه عملی<br>۸ مفهوم (از فروع<br>دین) شناسایی شد و<br>میزان شباهت<br>مؤلفه‌های شناسایی |

<sup>۵</sup>Peter L. Berger

<sup>۶</sup>David Émile Durkheim

|  |   |                          |           |
|--|---|--------------------------|-----------|
| <p>شده قرآنی و سکولاریسم بسیار کم و در مقابل، تفاوت آنها بسیار زیاد ارزیابی شد. همچنین مطابقت مؤلفه‌های آموزه‌های قرآنی با اسناد بالادستی برنامه درسی بسیار زیاد است و در مقابل، مؤلفه‌های سکولاریسم مطابقتی با اسناد بالادستی برنامه درسی ایران ندارند.</p>   |   |                          |           |
| <p>هابرماس معتقد است که باید بحران مشروعیت پروژه مدرنیته را با بازگشت به عقل ارتباطی و انتقادی و برقراری فضای گفتگو و استدلال در بین شهروندان اعم از سکولار و مذهبی و پیدا کردن زبانی مشترک حل نمود. استاد مطهری، نیز ضمن رد سکولاریسم سیاسی، باتوجه به تعریف عقلانی از دین، تعارض عقل و تجربه خود بنیاد با دین و حیانی را رد می‌کند و عقل بشری را برای دستیابی به مصالح واقعی و منافع اصیل محتاج دین می‌داند.</p> | <p>سکولاریسم یا پست سکولاریسم، بررسی نسبت دین و سیاست از دیدگاه هابرماس و مطهری</p> | <p>محمودپناهی (۲۰۲۰)</p> | <p>۲.</p> |

|    |                           |  |  |
|----|---------------------------|--|--|
| ۳. | عسگری (۲۰۱۸)              | سکولاریسم در ایران بعد از انقلاب اسلامی؛ ضرورت یا انحراف                           | سکولاریسم در جهان غرب یک امر اجتناب‌ناپذیر بوده؛ ولی در ایران اسلامی اگر سکولاریسم محقق شود، نوعی انحراف از مسیر اصلی قلمداد می‌شود.   |
| ۴. | بهستانی و امیرزاده (۲۰۱۸) | امکان سکولاریسم اسلامی؟ نقد کتاب سکولاریسم اسلامی: نقدی بر دیدگاه روشنفکران مسلمان | جدای از پاره‌ای ایرادات شکلی نظیر ضعف در رسایی بیان در انتقال معانی و مفاهیم در برخی موارد، یا اطاله و تکرار کلام در مواردی دیگر، بیشترین حجم انتقادات به مسائل محتوایی کتاب معطوف شد. نویسنده نقد دقیقی از سکولاریسم اسلامی ارائه نمی‌کرد. اشکالات وارد بر پروژه سکولاریسم اسلامی اساساً محسنات و مدعیات خود سکولارهای مسلمان بوده است. |
| ۵. | یزدانی مقدم (۲۰۱۷)        | علامه طباطبایی و پرسش سکولاریزاسیون  | علامه طباطبایی، راه‌حل معنوی و باطنی مدنظر کربن را تأیید می‌کند؛ اما به این مقدار بسنده نکرده و از سکولاریزاسیون خاصی در تاریخ اسلام یاد می‌کند.   |

|    |                                      |   |  |
|----|--------------------------------------|---|--|
| ۶. | لعل‌علیزاده،<br>قاسمی تنها<br>(۱۳۹۶) | بررسی رابطه ماهیت<br>دینی و سنتی انقلاب<br>اسلامی سال ۱۳۵۷ و<br>شکست سکولارها در<br>ایران | نیروهای ملی و چپ<br>از زمان پیدایش به<br>دلایل متعدد و<br>مختلف نتوانستند با<br>اکثریت جامعه ارتباط<br>برقرار نمایند؛ در<br>مقطع مورد بررسی<br>بافت و محیط جامعه<br>ایرانی بافت سنتی و<br>دینی بود و راه‌های<br>ارتباطی نیروهای<br>مذهبی با توده مردم<br>از طریق روحانیت<br>به‌خوبی صورت گرفت.   |
| ۷. | کریمی (۲۰۱۶)                         | ساحت اجتماعی<br>سکولاریسم   | ساحت اجتماعی<br>مشمول بر عناصر و<br>زمینه‌های مختلفی از<br>جمله ساختار و<br>نهادهای اجتماعی،<br>اخلاق و ارزش‌های<br>اجتماعی، قوانین و<br>قواعد اجتماعی،<br>رفتارها و روابط<br>اجتماعی، برنامه‌ریزی<br>و مدیریت اجتماعی و<br>جنبش‌ها، گروه‌ها و<br>آیین‌های جدید است<br>که نوع تأثیرگذاری<br>سکولاریسم بر هریک<br>از آن‌ها متفاوت بوده،<br>مشخص شد که با<br>فقدان آموزه‌های<br>دینی، این عرصه در<br>چنبره تفکر عرفی<br>گرایی به تنگنا افتاده<br>و به‌تدریج زمینه‌های<br>نفوذ و جریان دین در |

|   |  |               |    |
|---|--|---------------|----|
| حیات فردی و اجتماعی بشر سد از بین می‌رود.   |  |               |    |
| معنویت اسلامی را می‌توان تلاش برای زیستن معنادار در پرتو هدف حقیقی و منبع ارزش حقیقی یعنی تقرب الی الله دانست. وجوه تشابه میان معنویت اسلامی و معنویت سکولار را می‌توان از جمله چنین بر شمرد: باطن‌گرایی، نفی مادی‌گرایی، تأثیرات عمیق بر افراد و جوامع...  | سکولاریزاسیون معنویت، تهدیدی فرهنگی                | حمیدیه (۲۰۱۶) | ۸. |
| بیشتر متفکرین جهان اسلام از سده نوزدهم به این نتیجه رسیدند که برای رهایی از عقب‌ماندگی و استعمار غرب باید به دانش و آگاهی جدید تجهیز شد و از برخی جنبه‌های مدرنیته غرب راز تفوق و برتری را آموخت و البته رسیدن به این هدف مستلزم یک نوزایی دینی است، جهان اسلام برای رسیدن به پیشرفت و تعالی و برای اجتناب از سکولاریسم و همچنین رهایی از | جایگاه و کارویژه‌های سکولاریسم در غرب و جهان اسلام | ساجدی (۲۰۱۵)  | ۹. |



|  |   |                          |     |
|--|---|--------------------------|-----|
| وابستگی به غرب<br>می‌بایست هویت<br>اسلامی خود را دنبال<br>کند و با احیای تمدن<br>اسلامی، دین اسلام<br>را به‌عنوان<br>پیشرفته‌ترین تمدن<br>بازشناسایی و به<br>جهانیان شناسانده و<br>راه نجات و سعادت<br>مسلمانان را هموار<br>سازد.  |   |                          |     |
| مبانی فرهنگ<br>مدرنیته را بررسی<br>کرده و نشان می‌دهد<br>که این مبانی همچون<br>اومانیزم،<br>سکولاریسم، تعبد و<br>علم‌زدگی در تعارض<br>با مبانی اسلام است،<br>اما مدرنیته که صرفاً<br>به معنای دگرگونی در<br>فن و ابزار تولید است<br>تعارضی با مبانی<br>اسلامی نداشته و<br>از این رو می‌توان در<br>جامعه مدرن امروزی<br>پایبند به مبانی اسلام<br>بود. | امکان‌سنجی پایبندی به<br>مبانی اسلامی در جامعه<br>مدرن            | ساجدی و جعفری<br>(۲۰۱۴)  | ۱۰. |
| هندسه ذهنی<br>روشنفکران کنونی<br>ایران بر اساس<br>تحولات داخلی و<br>تغییرات منظومه<br>معرفتی با عناصر<br>ذهنی و فکری غرب<br>شکل گرفته است. با  | سکولاریسم در گفتمان<br>روشنفکران دهه چهارم<br>انقلاب اسلامی ایران | شمسینی غیاثوند<br>(۲۰۱۳) | ۱۱. |

|   |  |  |  |
|---|--|--|--|
| این توضیح دستگاه<br>ارزشی یا سرمشق<br>روشنفکری ایران در<br>دهه‌های اخیر نسبت<br>به غرب تغییر یافته<br>است. به همین علت<br>نظام فکری<br>روشنفکران ما در<br>مقایسه با غرب، جهان<br>مدرن یا عقلانی است،<br>زیرا در گذشته ارزشی<br>و یا در اواسط<br>روشنفکری ایرانی<br>نسبت به غرب، جهان<br>پیشرفته و<br>سرمایه‌داری بود. بر<br>همین اساس سرمشق<br>کنونی روشنفکران<br>ایران خرد خود بنیاد<br>است. |  |  |  |
|---|--|--|--|

شیخ‌لار و جلیل‌زاده (۲۰۲۱) در پژوهشی به تبیین مؤلفه‌های تربیت معنوی در آموزه‌های دینی (قرآن) و غیردینی (سکولاریسم) و مطابقت آن با اسناد بالادستی برنامه درسی پرداختند.

هدف این پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های تربیت معنوی در آموزه‌های دینی (قرآن) و غیردینی (با تأکید بر منابع سکولار) و مطابقت آن با اسناد بالادستی برنامه درسی است و از روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی، استفاده گردیده است. محقق در این پژوهش به دنبال چرایی این مطلب است که: مؤلفه‌های تربیت معنوی در آموزه‌های دینی (قرآن) کدام‌اند؟

مؤلفه‌های تربیت معنوی در آموزه‌های غیردینی (سکولاریسم) کدام‌اند؟

چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین مؤلفه‌های تربیت معنوی شناسایی شده در آموزه‌های دینی (قرآنی) و غیردینی (سکولاریسم) وجود دارد؟

مؤلفه‌های تربیت معنوی در اسناد بالادستی برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟

میزان مطابقت مؤلفه‌های تربیت معنوی شناسایی شده در هر دو حوزه با مؤلفه‌های تربیت معنوی اسناد بالادستی برنامه درسی ایران چقدر است؟

پژوهشگر بعد از تعاریف و بیان نظری در مورد مؤلفه‌های تحقیق در بیان اهمیت و ضرورت به این مهم اشاره دارد که: ما در آغاز قرن‌ها به سر می‌بریم که علی‌رغم پیشرفت‌های سریع علوم، موضوع انحطاط اخلاقی از ویژگی‌های آن است. حجم بالای اخبار مربوط به استفاده از مواد مخدر، جرم و جنایت‌هایی که در اشکال مختلف صورت می‌گیرد، خودکشی و غیره جلوه‌هایی از این حقیقت است که بشریت را در پرتگاه اخلاقی قرار داده است؛ بنابراین، ما به اخلاق واقعی و معنویت حقیقی<sup>۷</sup> نیازمندیم. امروزه، جهل آموزش معنوی منجر به بهره‌کشی و استثمار، فساد، تجاوز، کشتار، فاجعه، خودخواهی و نفرت شده است. به شکلی که انسان در هزاره سوم، با بحران‌های بزرگی روبه‌رو شده‌اند. علاوه بر بحران‌های خارجی، مردم در داخل نیز درگیر بحران‌هایی هستند که به مراتب قوی‌تر، پیچیده‌تر و فاجعه‌بارتر است؛ مانند بحران در حفظ هویت، ارزش‌ها، انتخاب هدف، حفظ تمامیت خود، دانش دینی و فهم دینی، تفکر انتقادی و استدلال و درنهایت بحران در ایمان و اخلاق انسانی و نیز در ادامه یادآور می‌شود که: ممکن است در جامعه کنونی، بعضی از مؤلفه‌های تربیت سکولار به‌عمد یا غیرعمد به‌عنوان مؤلفه‌های تربیت معنوی دینی جا باز کرده باشند و حتی میان اسناد بالادستی نیز قرار گرفته باشند، به نظر می‌رسد، شناسایی و نیز دسته‌بندی مؤلفه‌های تربیت معنوی در آموزه‌های دینی و غیردینی راهگشا بوده و مانع از تحویل افرادی به‌ظاهر معنوی اما با معنویت سکولار به جامعه خواهد شد.

محقق دریافته‌های پژوهش به‌روشنی پرسش‌های مطرح شده در مقدمه را پاسخ می‌دهد و در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که: در تحلیل قرآن کریم، در مؤلفه اعتقادی ۵ مفهوم (اصول دین)، مؤلفه اخلاقی (فضائل اخلاقی: ۸۸ مفهوم و ردایل اخلاقی: ۸۸ مفهوم) و مؤلفه عملی ۸ مفهوم (از فروع دین) شناسایی شد و میزان شباهت مؤلفه‌های شناسایی شده قرآنی و سکولاریسم بسیار کم و در مقابل، تفاوت آنها بسیار زیاد ارزیابی شد. همچنین مطابقت مؤلفه‌های آموزه‌های قرآنی با اسناد بالادستی برنامه درسی بسیار زیاد است و در مقابل، مؤلفه‌های سکولاریسم مطابقتی با اسناد بالادستی برنامه درسی ایران ندارند؛ بنابراین، اسناد بالادستی برنامه درسی ایران ضمن مطابقت با آموزه‌های قرآنی در زمینه تربیت معنوی می‌تواند منبع مؤثری برای تربیت معنوی از طریق نظام آموزشی باشد. به نظر نگارنده مقاله، تبیین موردنظر پژوهشگران فوق به‌خوبی صورت گرفته است، مؤلفه‌های اسلامی به‌خوبی شناسایی و استخراج شده است و در این نظر که آموزه‌های قرآنی در زمینه تربیت معنوی می‌تواند منبع مؤثری برای تربیت معنوی از طریق نظام آموزشی باشد با نویسندگان مقاله موافق هستیم. اما نکته حائز اهمیت اجرایی و عملی کردن این نظریات است که نیازمند آموزش و جلب همکاری متولیان امر در محیط آموزشی است و نکته دیگر آنکه از نقش عاملان برنامه درسی<sup>۸</sup> در انتقال این مفاهیم نمی‌توان غافل شد، چرا که فلسفه عاملان برنامه درسی در این انتقال نقش اساسی دارد.

محمودپناهی (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان: سکولاریسم یا پست سکولاریسم، بررسی نسبت دین و سیاست از دیدگاه هابرماس و مطهری به این موضوع پرداخت. هدف پژوهش فوق بررسی:

- نظریه سکولاریسم، پست سکولاریسم و دیدگاه پست سکولاریسم هابرماس به‌عنوان یکی از فیلسوفان اخیر مکتب انتقادی فرانکفورت معرفی می‌شود.

- اندیشه‌های فرا سکولار مطهری به‌عنوان نظریه‌پرداز حکومت دینی در ایران معاصر بررسی می‌گردد.

در بحث معنویت لازم به یادآوری است که مراد از معنویت، دین‌دار بودن صرف نیست و باید به هوش معنوی که در ارتباط انسان با ژرفای هستی، معنای زندگی را تعیین می‌کند توجه داشت. با ورود مدرنیته شاهد تزلزل در ارتباط هستی شناختی انسان با عالم هستیم.

هر فردی که در مسائل مربوط به برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌درسی به نحوی دخالت داشته باشد، عامل برنامه‌درسی (Curriculum Workers) است.

- وجوه تشابه و تفاوت نظریات پست سکولار هابرمارس و اندیشه‌های فرا سکولار مطهری مقایسه و استخراج خواهد شد. روش تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی و با جمع‌آوری داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است. در پایان نتیجه می‌گیرد که: آرا و نظریات مطهری در مبنای مدرنیته و فلسفه حاکم بر آن یعنی فلسفه مدرن متفاوت از تئوری پست سکولاریسم هابرمارس و در ضرورت حفظ حقوق همه شهروندان حق انتقاد و تعامل و بازگشت دین به ساحت اداره جامعه، تقنین و حکومت مشابه نظرات اوست. هابرمارس بر اساس آموزه‌های اومانیستی مدرنیته به برابری شهروندان سکولار و دین‌دار و لزوم گفتگو و مشارکت ذیل نهادهای لیبرال دموکراتیک می‌اندیشد و مطهری بر اساس آموزه‌های اسلامی و فلسفه سیاسی تشیع به لزوم دینی بودن حکومت، احترام به اقلیت‌ها و مشارکت ایشان با اکثریت در اداره جامعه ایمانی باور دارد. به نظر نگارنده، توصیف و تحلیل درستی از نظریات هابرمارس و مطهری انجام گرفته شده و خواننده را به‌روشنی با اندیشه‌های پست سکولار روبه‌رو می‌کند. اما در اندیشه هابرماس دین، امری جامعه‌شناسانه و فرهنگی است و باید به این پرسش پاسخ داد که چرا به دین با نگاهی وجودشناسانه توجه نمی‌کنیم؟

عسگری (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان: سکولاریسم در ایران بعد از انقلاب اسلامی؛ ضرورت یا انحراف.

در صدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا ماهیت حکومت در ایران باید همان ماهیتی باشد که غرب بعد از رنسانس با کنارزدن دین مسیحیت در پیش گرفته (سکولاریسم) یا اینکه ماهیت حکومت ایران باید در سیاست دخالت داشته باشد؟

و در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که: سکولاریسم هرچند عمر طولانی حدود ۱۵۰ ساله در ایران دارد و با وجود حاکمیت غیرمذهبی در تاریخ ایران، سکولاریسم هرگز نتوانست به‌صورت نظریه‌ای ارائه گردد. بلکه سکولاریست‌ها فقط به‌نقد دین و جامعه دینی می‌پردازند و قایل به جدایی دین از سیاست و اجتماع هستند و دیگر نمی‌گویند که جامعه‌ای با پتانسیل دینی را چگونه می‌شود از دین دورنگه داشت. سکولاریسم در ایران، هرگز دین‌ستیز نبود؛ بلکه دین‌گریز بودند. ترویج اندیشه سکولاریستی در ایران، هیچ‌وقت زمینه‌ساز حذف کامل دین از حوزه اجتماع نبوده و چه‌بسا سکولاریست‌ها نقش دین را در ادامه تحولات جامعه ضروری می‌دانستند و چه‌بسا از پتانسیل دین در پیشبرد اهداف خود بهره می‌بردند. سکولاریسم در ایران برخلاف دنیای غرب، به مبارزه با دین برنیامد، ولی نقش دین را هم به‌عنوان مرجع در تحولات اجتماعی نمی‌پذیرد؛ بنابراین، سکولاریسم ایرانی، نه‌تنها مروج سکولاریسم غربی نمی‌باشد، بلکه سکولاریسم اسلامی را می‌پذیرند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و نظامی مبتنی بر ساختار جمهوری اسلامی با حاکمیت ولایت فقیه و با نصب عام از ناحیه خداوند در ایران شکل گرفت که این نظام هیچ سنخیتی با نظام سکولاریستی ندارد و مردم در مشروعیت آن نظام هیچ‌گونه نقشی نداشته و فقط در مقبولیت آن نقش دارند. در اسلام، شکل خاصی از ساختار حکومت در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه ساختار کلی از حکومت اسلامی موردنظر است که باتوجه به انعطاف در منابع دین اسلام و شرایط جامعه در حال تغییر و نیز باتوجه به شرایط و مقتضیات زمان و مکان، حکومت اسلامی می‌تواند به شکل‌های مختلفی با محوریت دین اداره گردد.

به نظر نگارنده، در این مقاله سؤال به‌روشنی بیان شده است که جواب به این پرسش، به‌درستی موضع انقلاب اسلامی را در برابر اندیشه سکولاریسم بیان می‌کند (سکولاریسم در جهان غرب یک امر اجتناب‌ناپذیر بوده؛ ولی در ایران اسلامی اگر سکولاریسم محقق شود، نوعی انحراف از مسیر اصلی قلمداد می‌شود). اما سؤال این‌که آیا صرف بیان دین‌دار بودن، فرد را متدین می‌کند؟ و این‌که به لحاظ تاریخ متافیزیک، سکولاریسم بعد از قرن ۵ پیش از میلاد حرکت خزنده خود را در اذهان جهانیان آغاز کرد و نوعی اندیشیدن در همه زمینه‌ها، بدل گردید.

بهستانی و امیرزاده (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان امکان سکولاریسم اسلامی؟ (نقد کتاب سکولاریسم اسلامی: نقدی بر دیدگاه روشنفکران مسلمان). پژوهشگر در این مقاله بعد از معرفی ساختار و سازمان کتاب، ایرادات شکلی و محتوایی آن را بررسی می‌کند.

در پایان بعد از بیان ایرادات شکلی و محتوایی وارد به کتاب راهنمایی و پیشنهاداتی ارائه گردید: جدای از پاره‌ای ایرادات شکلی نظیر ضعف در رسانی بیان در انتقال معانی و مفاهیم در برخی موارد، یا اطاله و تکرار کلام در مواردی دیگر بیشترین حجم انتقادات به مسائل محتوایی کتاب معطوف شد. دسته‌ای از آن‌ها به این معطوف می‌شد که نویسنده نقد دقیقی از سکولاریسم اسلامی ارائه نمی‌کرد و به عبارت بهتر پرداخت مناسبی بر آن نداشت. دسته‌ای دیگر شامل آن مواردی می‌شد که اشکالات وارد بر پروژه سکولاریسم اسلامی اساساً محسنات و مدعیات خود سکولارهای مسلمان بوده است. از این‌رو بهتر بوده است که وی آن گزاره‌های ارزش شناختی که در ذهن و ضمیر خود می‌دانست آشکار می‌کرد تا تناسب ایرادات وی بر محسنات پنداشته سکولارهای مسلمان پذیرفتنی و معقول گردد. همچنین موارد اندکی به فهم غلط نویسنده از برخی مفاهیم یا کاربرد آن‌ها در متن مربوط می‌شد. به نظر می‌رسد این تلاش میمون از سوی نویسنده در صورت انجام اصلاحات و بازنویسی مجدد می‌تواند جایگاه قابل توجهی در متون تخصصی حوزه اندیشه سیاسی اسلام معطوف به تجارب جمهوری اسلامی پیدا کند.

به نظر نگارنده نقدی که به کتاب (نقد کتاب سکولاریسم اسلامی: نقدی بر دیدگاه روشنفکران مسلمان) وارد شده است از دید نویسندگان این مقاله است و بنده این اجازه را به خود نمی‌دهم که در این موضوع ورود کنم، ولی نکته اساسی در همین مباحث و بیان نظرات موافق و مخالف است که می‌تواند منتج به نتایج جدید گردد.

یزدانی مقدم (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان علامه طباطبایی و پرسش سکولاریزاسیون. به بررسی و تحلیل گفتگوی هانری کربن با علامه طباطبایی پرداخته است، در ادامه به اهمیت دیدگاه کربن درباره سکولاریسم می‌پردازد و دیدگاه علامه طباطبایی را در این باره مطرح می‌نماید، و عنوان می‌کند که فهم دیدگاه اندیشمندان ایرانی درباره سکولاریزاسیون، بدون فهم آثار کربن و پروژه او ناممکن و یا دست‌کم بسیار دشوار است. در نتیجه‌گیری بیان می‌کند که: کربن گرچه اصالت ظواهر دینی را می‌پذیرد؛ اما نسبت به گسست آن از باطن هشدار می‌دهد و سکولاریزاسیون ویژه‌ای را برای اسلام، در صورت گسست ظاهر از باطن پیش‌بینی می‌کند. در مقابل سکولاریزاسیون احتمالی ناشی از ظاهرگرایی که کربن برای اسلام پیش‌بینی می‌کند، علامه طباطبایی از سکولاریزاسیون ناشی از مصلحت‌گرایی و تقدم دادن مصلحت حکومت بر احکام الهی یاد می‌کند.

به نظر نگارنده، در این پژوهش به‌درستی تحلیل و دیدگاه هانری کربن درباره سکولاریزاسیون بیان شده است و توجه کربن به گسست میان باطن از ظاهر، می‌تواند توجهی پدیدارشناسانه به این امر باشد در ادامه نیز ایده و برنامه علامه طباطبایی (تفکر اجتماعی) و تفسیر ایشان از خداشناسی، نبوت، قرآن، ولایت، امام‌شناسی و معادشناسی، پاسخی قاطع و جامع به هانری کربن است که به‌درستی می‌تواند چراغ راهی در برابر سکولاریسم برای ما باشد.

علیزاده و قاسمی تنها (۱۳۹۶) در تحقیقی به بررسی رابطه ماهیت دینی و سنتی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و شکست سکولارها در ایران پرداختند. هدف از این تحقیق بررسی این سؤال بود که چه رابطه‌ای بین ماهیت سنتی و دینی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ با شکست سکولارها در ایران وجود دارد؟ در نتیجه‌گیری به سؤال اصلی تحقیق این‌گونه پاسخ داده شد: نیروهای ملی و چپ به دلایل گفته شده چندان قدرت تأثیرگذاری و ارتباط برقرارکردن با مردم و حتی جوانان دانشگاهی را نداشتند و در کنار این امر شواهد مستند موفقیت نیروهای دینی و سنتی در جذب مردم با رهبری امام خمینی (ره)،

مطهری و شریعتی و استفاده از عناصر ایدئولوژی شیعی، پیروزی انقلاب با ماهیت دینی و غیرسکولار شکست سکولارها را در پی داشت.

به نظر نگارنده، دو عنصر اصلی در شکست سکولار در آن بازه زمانی (مذهب و سنت) و همچنین رهبران و نیروهای دینی که در این مقاله به آن اشاره شده است بسیار مؤثر و مفید بوده است که در زمان حال نیز باید توجه ویژه‌ای به آن داشت. اما باید یادآور شد که در آن مقطع تاریخی نبرد میان سنت و مدرنیته، برای مدتی تجدد را به خفا رهنمون کرد و تلقی شکست برای آن نادرست است؛ چنان‌که در حال حاضر شاهد نمایان شدن دوباره آن در جامعه هستیم.

کریمی (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان ساحت اجتماعی سکولاریسم، درصدد پاسخ‌گویی به پرسش چگونگی تأثیر سکولاریسم بر ساحت اجتماعی بشر است، با ادعان به تأثیر سکولاریسم به‌مثابه یک تفکر بر ابعاد و ساحت مختلف حیات بشر. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی انجام گرفت و در ادامه عنوان شد که ساحت اجتماعی مشتمل بر عناصر و زمینه‌های مختلفی از جمله ساختار و نهادهای اجتماعی، اخلاق و ارزش‌های اخلاقی، قوانین و قواعد اجتماعی، رفتارها و روابط اجتماعی، برنامه‌ریزی و مدیریت اجتماعی و جنبش‌ها، گروه‌ها و آیین‌های جدید است که نوع تأثیرگذاری سکولاریسم بر هریک از آن‌ها متفاوت است. در پایان مشخص گردید که با فقدان آموزه‌های دینی، این عرصه در چنبره تفکر عرفی‌گرایی به تنگنا افتاده و به‌تدریج زمینه‌های نفوذ و جریان دین در حیات فردی و اجتماعی بشر از بین می‌رود. به نظر نگارنده، در این مقاله به‌درستی، کمبود و کم‌کاری در آموزه‌های دینی به‌عنوان روزه‌ای برای نفوذ تفکر مسموم به ذهن و حیات اجتماعی یاد شده است.

حمیدیه (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان سکولاریزاسیون معنویت، تهدیدی فرهنگی. قصد دارد که مفهوم معنویت را در حوزه دین اسلام مورد بازاندیشی و باز تعریف قرار دهد و تمایزهای معنویت اصیل اسلامی را با معنویت سکولار آشکار سازد. در پایان نتیجه‌گیری می‌کند که موج سکولاریزاسیون بعد از چهار دهه به معنویت رسیده است. معنویت مدرن، معنویت برند آمریکا و معنویت عصر جدید معنویت‌هایی هستند که رابطه خویش با دین سنتی را گسیخته‌اند و به‌شدت اومانیستی و انسان‌محور شده‌اند. همچنین سکولار شدن معنویت با کاربردی شدن شدید آن همراه بوده است تا آنجا که معنویت سکولار، امروزه گره‌هایی فروبسته در تمدن مدرن بشریت را گشوده است و می‌گشاید. در چنین فضایی لازم است معنویت دینی تبیین شود و نسبت آن با معنویت سکولار روشن گردد. معنویت در پی معنای زندگی و جهان بودن است و تلاش برای زیستن معنادار، یعنی داشتن هدفی فراتر از اهداف جزئی در زندگی و در دسترسی به منبع ارزش که زیستن را باارزش می‌سازد. معنویت بدین معنا، با مفهوم دین‌داری یکسان و مترادف نیست و چه‌بسا دین‌داری که خالی از معنویت باشند. مفهومی است که به اشتراک لفظی هم بر معنویت سکولار و هم بر معنویت قابل اطلاق است. تفاوت اساسی میان این دو، در آن است که معنایابی یا معنابخشی به زندگی بر چه منبعی تکیه دارد. در معنویت اصیل دینی، منبع همه ارزش‌ها و هدف نهایی همه اهداف یک منبع حقیقی است، اما در معنویت سکولار، منبعی اعتباری و قلمدادی است، یعنی آنچه که هر شخص برای خودش غایت الغایات فرض می‌کند.

به نظر نگارنده، در این مقاله به تمایز بین معنویت اصیل اسلامی با معنویت سکولار، به‌خوبی پرداخته شده است و تشابهات عنوان شده می‌توانند، نقطه قوتی برای نفوذ و ایجاد شبه باشند و به‌درستی در عنوان مقاله از آن به‌عنوان تهدیدی فرهنگی یاد شده است. در این مسیر توجه به شناخت کانون‌های ذهنی انسان و بالاخص هوش معنوی برای دستیابی به معنای زندگی و ارتباط انسان با ژرفای هستی می‌تواند بسیار تعیین‌کننده باشد.

ساجدی (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان، جایگاه و کارویژه‌های سکولاریسم در غرب و جهان اسلام. در تلاش است که تأثیر سکولاریسم را بر تفکر شرق و کشورهای اسلامی به طور خاص پیگیری نماید. در پایان نتیجه حاصله به این شرح است: بیشتر متفکرین جهان اسلام از سده نوزدهم به این نتیجه رسیدند که برای رهایی از عقب‌ماندگی و استعمار غرب باید به دانش و آگاهی جدید تجهیز شد و از برخی جنبه‌های مدرنیته غرب راز تفوق و برتری را آموخت و البته رسیدن به این هدف مستلزم یک نوزایی دینی است. در نوزایی اسلامی، تعدادی از اندیشمندان اسلامی برخی از تحولات مدرنیته مانند اندیشه‌های ناسیونالیسم<sup>۱</sup> پارلمانتاریسم<sup>۲</sup>، دموکراسی و بسیاری پدیده‌های دیگر را مورد پذیرش قرار دادند و هم‌زمان با برخی از پدیده‌های غربی مانند استعمار و سکولاریسم به مقابله برخاستند. نتیجه آنکه پدیده سکولاریسم نتوانست آن‌چنان که در اروپا مورد قبول واقع گردید، در جهان اسلام و بخصوص در خاورمیانه شناخته و پذیرفته شود. بدین سبب، سکولاریسم در سرزمین‌های اسلامی مورد توجه قرار نگرفت و حرکتهای مهمی را در این کشورها (به جز ترکیه) به وجود نیاورد. عدم اشاعه سکولاریسم در جهان اسلام به طور اعم و خاورمیانه به طور اخص دلایل مختلفی دارد. برای نمونه شهرنشینی آن‌گونه که در غرب شکل گرفت در خاورمیانه به وجود نیامد، و یا مدرنیته از سوی اندیشمندان اسلامی (بر خلاف عالمان مسیحیت) فقط آن مقدار پذیرفته شد که بتواند در راستای خدمت به اسلام قرار گیرد. در مدرنیته غربی، قدرت و منزلت با محوریت انسان مورد توجه قرار می‌گیرد، ولی در اسلام قدرت متعلق به خداوند است و انسان محور نمی‌باشد. بنابراین، جهان اسلام برای رسیدن به پیشرفت و تعالی و برای اجتناب از سکولاریسم و همچنین رهایی از وابستگی به غرب می‌بایست هویت اسلامی خود را دنبال کند و با احیای تمدن اسلامی، دین اسلام را به‌عنوان پیشرفته‌ترین تمدن بازشناسایی و به جهانیان شناسانده و راه نجات و سعادت مسلمانان را هموار سازد.

به نظر نگارنده، این مطلب که باید از جنبه‌های درست و روشن مدرنیته که موافق اصول اسلامی است، به نفع خود استفاده کنیم و در جهت تجهیز به دانش و آگاهی حرکت کنیم کاملاً درست و منطقی است؛ اما این نکته (عدم اشاعه سکولاریسم در جهان اسلام) اقرار آمیز و خیلی خوش‌بینانه است. برای نمونه شهرنشینی که در این مقاله به آن اشاره شده است در منطقه و کشور ما نمود پررنگی دارد و نمی‌توان منکر آن شد.

اما شهر معاصر، شهری است که بیش از آنکه متأثر از انگاره عبودیت و عقلانیت معنوی باشد، تحت تأثیر عقلانیت ابزاری و مادی مبتنی بر سکولاریسم است و به همین دلیل، شهر امروزی، شهر قدرت، و شهر ثروت است و نه شهر عبودیت، تجلی کالبدی این موضوع را می‌توان در تسلط بناهای تجاری و انتفاعی (مانند بانک‌ها، مراکز خرید، و...) بر بافت شهر معاصر ایرانی، در مقایسه با تسلط بناهای مذهبی بر کالبد شهر سنتی ایرانی دید [۴].

ساجدی و جعفری (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان امکان‌سنجی پایبندی به مبانی اسلامی در جامعه مدرن. با بررسی مبانی فرهنگ مدرنیته نشان می‌دهد که این مبانی همچون اومانیزم<sup>۱</sup>، سکولاریسم، تبعدگریزی و علم‌زدگی در تعارض با مبانی

یک ایده و جنبش است که هدف آن ترقی بخشیدن منافع یک ملت است. ملی‌گرایی نوعی آگاهی (Nationalisme) ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم به فرانسوی جمعیت است، یعنی آگاهی به تعلق به ملت که آن را «آگاهی ملی» می‌خوانند.

در نظام‌های پارلمانی رئیس کشور و رئیس قوه مجریه دو شخص به معنی سخن گفتن و حکم دادن آمده است (Parler) پارلمانتاریسم از فعل فرانسوی متفاوت هستند. رئیس کشور که ممکن است رئیس‌جمهور یا پادشاه باشد، نقش مهمی ندارد و از مسئولیت میراست. رئیس قوه مجریه که معمولاً نخست‌وزیر نامیده می‌شود به پیشنهاد رئیس کشور و انتخاب پارلمان مشخص می‌شود.

(Humanism). انسان‌گرایی، انسان باوری یا اومانیزم<sup>۱</sup>

اسلام است، اما مدرنیته که صرفاً به معنای دگرگونی در فن و ابزار تولید است تعارضی با مبانی اسلام نداشته و از این رو می‌توان در جامعه مدرن امروزی، پایبند به مبانی اسلام بود.

به نظر نگارنده، در این مقاله به‌درستی موضع اسلام در برابر مدرنیته بیان شده است و همان‌طور که بیان شده است اسلام با مدرن بودن به معنای استفاده از علوم یا ابزار و فناوری نه‌تنها مخالفتی ندارد؛ بلکه در جهت نیل به اهداف جامعه اسلامی آن را توصیه می‌کند.

شمسینی غیاثوند (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان سکولاریسم در گفتمان روشنفکران دهه چهارم انقلاب اسلامی ایران. ضرورت این موضوع را بیان می‌کند که از آن جهت اهمیت بیشتری پیدا کرد که از یک سو سکولاریسم با آموزه‌های سیاسی، اجتماعی، اسلامی تقابل پیدا کرد و از سوی دیگر به‌تدریج با مشکلات کارآمدی در جهان مواجه شد. باتوجه‌به عصر جهانی‌شدن و عصر اطلاعات باید خاطرنشان کرد که سکولاریسم با تحول ساختاری، مفهومی و شکلی مواجه شده است. ورود سکولاریسم در گفتمان روشنفکری ایرانی در عصر اطلاعات با ویژگی‌های خاصی همچون تداخل واژگانی با سایر مفاهیم همچون عرفی شدن و سکولاریزاسیون همراه شود. روشنفکران و لایه‌های فکری یک جامعه تأثیر شگرفی در جهت‌گیری‌های دینی، سیاست‌ها و برنامه‌های یک کشور دارند گرچه خود نخبگان تحت‌تأثیر مسائل زمانی و مکانی خود و جهان هستند. البته در عصر جهانی‌شدن، بیشتر متفکران با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی تحت‌تأثیر فضاهای فرهنگی دینی جهان هستند. هندسه ذهنی روشنفکران کنونی ایران بر اساس تحولات داخلی و تغییرات منظومه معرفتی با عناصر فکری و ذهنی غرب شکل گرفته است. به همین علت نظام فکری روشنفکران ما در مقایسه با غرب، جهان مدرن یا عقلانی است، زیرا در گذشته ارزشی و یا در اواسط روشنفکری ایرانی نسبت به غرب، جهان پیشرفته و سرمایه‌داری بود. بر همین اساس سرمشق کنونی روشنفکران ایران خرد خود بنیاد است.

به نظر نگارنده، باتوجه‌به تغییرات این تفکر در غرب و بازاندیشی‌هایی که در جهت اصلاح و بهبود آن برای همان فرهنگ غربی صورت گرفته است، تغییری در جهت بهبود و انتفاع جامعه غربی بوده که برای آن فرهنگ بسیار میمون است؛ اما برای جامعه ما که هنوز گرفتار واکاوی مسائل و عرفی شدن هستیم، این گره را ناگشاینده‌تر می‌نمایاند.

#### ۴. نتیجه‌گیری:

در این پژوهش به مرور تحقیقات انجام شده درباره سکولاریسم در ده سال اخیر پرداخته شد که همگی این ایده فکری را به روشنی بیان و تفسیر نمودند و به مقایسه و نقد آن در برابر دین اسلام پرداختند، نکته مشخص و مورد توافق، غیرقابل‌قبول بودن و خطر این تفکر برای جامعه اسلامی است. باتوجه به تغییرات و اصلاحاتی که در این تفکر به سبب پیشرفت و جهانی‌شدن ایجاد شده است و نوعی سازش که با جامعه مدرن دارد، شاهد حضور پررنگ این نگرش در جامعه امروز ایران هستیم که خود را در دوگانگی‌های پوشش و حجاب، نوع زندگی مصرف‌گرایی و تجملاتی، فساد و بی‌عدالتی‌های اجتماعی نمایان می‌سازد. در مقابل واکنش جامعه علمی و صاحبان امر، به ۳ صورت انجام گرفت. گروه اول خواهان تقلید از الگوی غربی بوده و پایان فرهنگ اسلامی را اعلان داشتند، خواستار پیاده‌سازی بی‌چون‌وچرای فرهنگ غربی هستند و راه رسیدن به توسعه را در مسیری می‌بینند که غرب پیمود. گروه دوم، مدرنیته را در تضاد با اسلام دانسته و با تأکید بر سنت، با بازگشت سنت و هویت اسلامی موافق هستند. گروه سوم که پذیرش مدرنیته را مشروط دانسته، قائل به نوسازی هستند و عنوان می‌کنند که باید با دید بهره‌برداری به آن نگریست و به مصلحت خود از آن برداشت نماییم که لازمه این بهره‌برداری آشنایی با سنت و



فرهنگ جامعه است. باتوجه به نظرات این سه گروه آنچه عیان است همگی بر حضور این مهمان ناخوانده توافق دارند و هر گروه از منظر خود به این پدیده نگریده و کمتر به تعامل و چاره‌اندیشی روی آورده، به فراخور تاریخی خواهان ارائه راهکاری یک‌جانبه بوده‌اند. نتیجه این تقابل‌ها برای جامعه غفلت از زمان و نسل جدیدی است که فارغ از همه این جبهه‌گیری‌ها خواهان همسویی و همراهی با پیشرفت و جهانی‌شدن است و در بسیاری از موارد، این موضع خود را در تقابل با فرهنگ حاکم می‌بیند؛ مرحله‌ای که باعث گسستی میان جامعه گردیده. اکنون با نسلی روبه‌رو هستیم که حتی در ماه‌های قبل از تولد، انس خود با تکنولوژی را آغاز نموده است. در سال‌های بعد به لطف فضای مجازی حتی پا را فراتر از مرزها گذارده و خود را در مواجهه با فرهنگی فرامرزی و دنیایی ناشناخته خواهد یافت و این شروع پرسش‌ها برای این نسل است، چرایی که به دلیل عدم آموزش و برنامه‌ریزی برای این نسل، نه‌تنها برای آنان بلکه برای جامعه چالش‌هایی ناخواسته را به همراه خواهد داشت. دورشدن از اصل وجودی خود و بی‌هویتی از مصائب این جنگ نرم است. یکی از بزرگ‌ترین نقصان‌ها در این بین متوجه آموزش پنهان است، حوزه‌ای که با بی‌توجهی، میدانی شده است برای هجوم و تاخت‌وتاز سایر فرهنگ‌ها برای جولان و نمایش فرهنگی بیگانه. عرصه‌ای که بنای آن داریم، کمبود آموزش و فرهنگ‌سازی خود را با فیلترینگ مرتفع سازیم، سیاستی که نه‌تنها اثربخش نبوده؛ بلکه در اغلب موارد باعث جدایی این نسل از هنجارهای اجتماع گردید. بی‌پناهی به سبب عدم آگاهی و دانش در برابر چنین فرهنگی برای جوان ایرانی ثمره‌ای جز بی‌هویتی، دگرگونی ذهنی و گسستی میان سنت و هویت را رقم خواهد زد. به‌خوبی روشن است که بافاصله گرفتن از ارزش‌ها، اخلاق و سنت این تفکر سکولار است که در ذهن فرد جای می‌گیرد، ایده‌ای که به سبب تضاد آن با فرهنگ حاکم سبب، تعارض منافع فرد و جامعه گردیده. آنچه مشخص است، تکنولوژی و پیشرفت را گریزی نیست؛ ولی بسیار نیکو خواهد بود که در این مواجهه همواره به هویت ایرانی خود توجه داشته باشیم؛ چراکه در تفکر جهانی‌شدن، هویت و سنت دیگر فرهنگ‌ها جایگاهی نداشته و غرض، ازمیان‌رفتن این دو مؤلفه در جهت برپایی این ایده جهانی است.

#### منابع:

۱. شیخ‌لار، داود و مهدیه جلیل‌زاده. (۱۴۰۰). تبیین مولفه‌های تربیت معنوی در آموزه‌های دینی (قرآن) و غیردینی (سکولاریسم) و مطابقت آن با اسناد بالادستی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۵۰، ص ۲۳۱-۲۷۷.
۲. بهستانی، مجید و امیرزاده، محمدرضا. (۱۳۹۷). امکان سکولاریسم اسلامی؟ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هجدهم، شماره ۶، ص ۲۱-۳۴.
۳. عسگری، حسین. (۱۳۹۷). سکولاریسم در ایران بعد از انقلاب اسلامی، ضرورت یا انحراف. سیاست و رسانه، شماره ۱، ص ۳۹-۵۷.
۴. رئیسی، محمدمنان. (۱۳۹۶). درآمدی بر تأثیرات مبانی سکولاریسم بر معماری و شهرسازی معاصر ایران. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره نهم، شماره ۲، ص ۱۳۵-۱۶۲.
۵. لعل‌علیزاده، محمد و نسرین قاسمی تنها. (۱۳۹۶). بررسی رابطه ماهیت دینی و سنتی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و شکست سکولارها در ایران. مطالعات سیاسی، شماره ۳۵، ص ۱۵۱-۱۷۰.
۶. حمیدیه، بهزاد. (۱۳۹۵). سکولاریزاسیون معنویت، تهدیدی فرهنگی. فلسفه و الهیات، سال بیست و یکم، شماره ۳، ص ۴-۲۹.
۷. طاهری، محمد حنیف. (۱۳۹۵). بررسی انتقادی رابطه دین، اخلاق و سیاست در پارادایم سکولاریسم فلسفی، عادل ضاهر. مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، شماره ۴، ص ۴۱-۷۸.

۸. کریمی، محمدکاظم. (۱۳۹۵). ساحت اجتماعی سکولاریسم. اسلام و مطالعات اجتماعی، سال سوم، شماره ۴، ص ۱۵۶-۱۸۶.
۹. یزدانی مقدم، احمد. (۱۳۹۵). علامه طباطبائی و پرسش سکولاریزاسیون. اسلام و مطالعات اجتماعی، سال چهارم، شماره ۳، ص ۱۱۳-۱۳۶.
۱۰. ساجدی، امیر. (۱۳۹۴). جایگاه و کارویژه‌های سکولاریسم در غرب و جهان اسلام. علوم سیاسی، شماره ۳۱، ص ۴۹-۹۲.
۱۱. سجادی، مرضیه سادات و محمدجعفری. (۱۳۹۲). امکان‌سنجی پایبندی به مبانی اسلام در جامعه مدرن. معرفت، شماره ۱۹۵، ص ۱۱-۲۶.
۱۲. شمسنی‌غیاثوند، حسن. (۱۳۹۲). سکولاریسم در گفتمان روشنفکران دهه چهارم انقلاب اسلامی ایران. مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۴، ص ۶۹-۱۰۸.
۱۳. سربخشی، محمد. (۱۳۹۰). سکولاریسم، دین، اخلاق. معرفت اخلاقی، شماره ۴، ص ۴۹-۷۲.
۱۴. مردانی نوکنده، محمدحسین. (۱۳۹۰). پیدایش و ظهور سکولاریسم و نگرش قرآن نسبت به آن. آفاق دین، شماره ۵۰، ص ۱۰۷-۱۳۶.
۱۵. کافی، مجید. (۱۳۸۸). طرح سنجش تأثیر کثرت‌گرایی بر سکولار شدن افراد با تحصیلات عالیه. اسلام و علوم اجتماعی، شماره ۲، ص ۴۹-۸۸.
۱۶. سیلانیان طوسی، علی‌اصغر و محمد مسعود سعیدی نامقی. (۱۳۸۴). نگرش سکولار، نظریه‌های سکولاریزاسیون و جامعه ما. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۲، ص ۸۷-۱۰۸.